[صد و چهل و پنج]

با سلام مجدد

من قبلا گفته بودم:

> در اصل توسط **Hosein-** نوشته شده است
> [illegible]
> ۱) [illegible]
> ۲) [illegible]
> ۳) [illegible] ...
> [illegible]
> **آیا درست فهمیدم؟**
> **و آیا برای اثبات وجه نفس الامری هم راهی هست؟**

این سوال را پاسخ ندادید؟

من در ذهنم این بود که اثبات معجزه بودن قرآن از حیث وجه نفس الامریش (که تدوینی تکوینی است) عملا امکان ندارد به این دلیل که ما هیچ راهی نداریم که بدانیم تدوینی تکوینی منطقا چگونه می تواند باشد که بعد بخواهیم بسنجیم و ببینیم حالا آیا قرآن تدوینی تکوینی هست یا نه.

اما الان وجهی در ذهنم آمد.

اولا از استدلال فوق استحاله درنمی آید. یعنی ما تاکنون راهی نداشته ایم که بدانیم تدوینی تکوینی منطقا چگونه می تواند باشد؛ اما منطقا محال نیست که در آینده راهی پیدا شود.

بینهایت بودن موجودات و واقعیات هم لزوما مانعی نیست زیرا امروزه بحثی در حوزه ریاضیات از نظمهای حوزه بی نهایتها بحث می کنند و ذهن توان تحلیل در حوزه بی نهایتها را هم دارد.

اما مساله اصلی تصویر دادن از چگونگی احتمال وقوع این نحوه اثبات کردن است که نکته ای به ذهنم رسید و ممنون می شوم در این باره نظر دهید

آن نکته این است که:

من از بحثهای قبلی شما در اینجا و در جاهای دیگر داشتید (بویژه آن بحثی که قبلا داشتید که فعلا مقام تصور بحث را از مقام تصدیق جدا کنیم و ابتدا (صرف نظر از قبول یا رد) ببینیم که نظر خود قرآن درباره خودش چیست)

به نظرم رسید که شاید وقتی تصور مساله روشن شود خود به خود ذهن به سمت تصدیقش حرکت کند. شبیه بسیاری از بحثهای فلسفی که گیر اصلی در تصور مساله است تا در تصدیقش؛و چون افراد درست تصور نمی کنند مخالفت می کنند. یعنی اگر ما روی همین بیانات قرآن و اهل

بیت درباره اینکه قرآن تدوینی تکوینی است تمرکز کنیم و مولفه های مختلف در بیانات ایشان را مرتب مرور کنیم کم کم خود این بیانات افق تبیینی وجه اعجاز قرآن از این جهت را برای ما باز می کند.

در واقع یکی از مهمترین نکات در حوزه متون دینی که بشدت از آن غفلت می شود «**لیث‌یروا لهم دفائن العقول**» است. یعنی درست است که با عقل خود ابتدا نبوت و قرآن را می پذیریم اما این گونه نیست که بعد از پذیرش و غوطه ور شدن در معارف قرآن عقل ما با قبلش تفاوت جدی پیدا نکند. بلکه این غوطه ور شدن کم کم عقل را رشد می دهد و این عقل رشد یافته بتدریج استدلالهایی ناظر به واقعیت می یابد که تا وقتی این قدر رشد نکرده بود آنها را نمی یافت؛ و وقتی این استدلالها را یافت آنها را به ذهن عموم بشر عرضه می کند و چون آنچه یافته استدلالی بوده وجه استدلالی اش ذهن همگان را اقناع می کند.

یعنی همان چیزی که عملا در تاریخ فلسفه اسلامی رخ داد: بسیاری از بحثهایی که امروزه در فلسفه اسلامی تقریبا قریب به واضح و بدیهی شمرده می شود زمانی بشدت مردافکن بوده است. عقول افراد در پرتوی آموزه های قرآن و اهل بیت ع رشد کرد و به استدلالهایی رسید که اکنون وقتی بر ذهنها عرضه می شود فضای عمومی فلاسفه آن را می پذیرد اما پیش از آن شاید فقط معدودی از عرفا که فقط خودشان شهود کرده بودند آن را می پذیرفتند

در هر صورت؛ چه تقریر فوق را درست می دانید ای خیر؛ هنوز بشدت مایلم بدانم که آیا شما به این نوع استدلالها که بتواند اعجاز قرآن را در افق همین تدوینی تکوینی بودن به مخاطبان منصف نشان داد دست یافته اید؟

البته شما پاسخ این سوالم را ظاهرا در این فراز داده اید

> بنده معتقدم مثل اعجاز ریاضی قرآن که نفس الامریت دارد، هنوز زمان آن نرسیده است، چه برسد به تدوینی نگاشتی تکوینی، که بغرنجترین حیثیت این هویت است در حالی که خود نفس این هویت مورد تحدی است، و دسترس همه است.

ظاهرا این فرمایش شما معنی اش این است که تحلیل فوقی که بنده ارائه کردم درست است و خود شما اجمالا در ذهنتان این تبیینی وجود دارد اما چون معدات بحث برای فضای عمومی آماده نشده به بیان آن اقدام نمی کنید

درست فهمیدم[1]

[1] پست کاربر Hosein-

بازبینی #1
ایجاد شده 16 آوریل 2025 14:05:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 آوریل 2025 14:05:32 توسط ... .